

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال پنجم، شماره ۱۶، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۲۶-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

تاثیر کوانتوم دیپلماسی بر بعد اقتصادی امنیت انسانی جمهوری اسلامی ایران

محمدحسن شیخ الاسلامی* / جعفر امانی خجسته**

چکیده

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از نظر تکنولوژی عصر کوانتوم نامیده می‌شود. انرژی هسته‌ای، کامپیوترها، بارکدخوان‌ها و جراحی‌های لیزری تنها چند نمونه جالب از نتایج جالب توجه تئوری فیزیک قرن بیستم یعنی فیزیک کوانتوم هستند. با کارهای پلانک، هایزنبرگ و دیگران با ارائه نظریه کوانتومی در فیزیک و مکانیک، مبانی جدیدی برای فهم جهان هستی و پدیده‌های آن شکل گرفت که عمدتاً با عنوان پارادایم کوانتومی معرفی می‌شوند. این پارادایم نوین تأثیرات شگرفی بر همه ابعاد علم از جمله رایانه، اینترنت، فیزیک و غیره گذاشت. در حوزه علوم انسانی نیز تأثیر این تفکر نوین همچنان در حال گسترش است. نظریه کوانتوم، برخلاف فیزیک کلاسیک که هیچ جایی برای وجود مفاهیمی چون؛ عدم قطعیت و خودآگاهی در خود نمی‌بیند، عدم قطعیت و خودآگاهی را مطرح می‌کند. از دیگر سو، بعد از صد سال از نظریه پردازان در رشته روابط بین الملل که دیپلماسی فرعی از آن است، هنوز دانشمندان از رویدادهای بین المللی و جهانی غافلگیر می‌شوند. به نظر می‌رسد این ناکارآمدی ناشی از سیطره تفکر نیوتونی در نظریه‌های علوم انسانی و روابط بین الملل است. این پژوهش کوششی است تا با استفاده از منابع محدود کتابخانه‌ای، دیپلماسی کوانتومی با رویکرد اقتصادی و مختصات و ویژگی‌های آن را تبیین و تشریح نماید و پس از تبیین مفهوم کوانتوم دیپلماسی، با ارائه مختصری از مفهوم امنیت انسانی، تأثیر این نوع از دیپلماسی را بر بعد اقتصادی امنیت انسانی در جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید.

کلید واژه‌ها

پارادایم کوانتومی، کوانتوم دیپلماسی، دیپلماسی اقتصادی، امنیت انسانی.

* دکترای دانشیار روابط بین الملل دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mhsheikh@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمانهای بین المللی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

مقدمه

دیپلماسی اقتصادی، به مفهوم اولویت یافتن اهداف و موضوعات اقتصادی در سیاست خارجی، یکی از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف بلند مدت رشد و توسعه اقتصادی کشورها به حساب می آید و به عنوان نقطه تلاقی دیپلماسی و فعالیت های اقتصاد ملی و بین المللی و فصل مشترک بین منافع اقتصادی ملی و سایر منافع سیاسی، امنیتی و فرهنگی کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهان تعبیر می شود (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷: ۴۵۶).

برخی از الزامات رفتاری برای دستیابی به اهداف دیپلماسی اقتصادی که از اتفاق منطبق با ویژگی های کوانتوم دیپلماسی هستند عبارت اند از: توجه به عرف و هنجارهای بین المللی و ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی برای تحقق توسعه، پیگیری اهداف از طریق اقناع و مجموعه سازی، از بین بردن تصویر امنیتی و پرهیز از رویکرد تقابلی و دشمن آفرینی، همکاری در ایجاد و هدایت فرآیندهای منطقه ای، ارائه تعریف جامع و واقع گرایانه ای از خود در محیط بین الملل و کانونی کردن مجموعه های منطقه ای و فرا منطقه ای در پیگیری و تعقیب اهداف و منافع اقتصاد ملی (باقری، ۱۳۹۵: ۳۸).

جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی، پشتوانه تاریخی، غنای منابع طبیعی و سرمایه های ارزشمند انسانی بویژه جوانان نخبه و تحصیلکرده و دیگر ظرفیت های بی شمار پیدا و پنهان بالفعل و بالقوه، جایگاه کشوری مهم و ذی نفوذ در منطقه غرب آسیا و همچنین قدرتی منطقه ای را دارا می باشد.

این کشور با تکیه بر این ویژگی های ممتاز و بعضاً منحصر به فرد در دهه های گذشته در تلاش بوده است تا مبتنی بر سند چشم انداز ۱۴۰۴ به کشوری پیشرفته و برتر در منطقه تبدیل شود. اگرچه اهدافی چون کسب جایگاه اول اقتصادی و علم و فن آوری در منطقه آسیای جنوب غربی و برخورداری از رفاه، امنیت غذایی و تامین اجتماعی به دور از فقر و فساد و تبعیض بعنوان مولفه های اقتصادی مفهوم نوین امنیت انسانی اهدافی والا و شایسته کرامت انسانی در بستر جامعه و حاکمیت اسلامی محسوب می شوند و باید که محقق می شدند اما متأسفانه این هدف گذاری ها اگر چه هنوز دست یافتنی به نظر می رسند اما بسار چالش برانگیز و دشوار خواهند بود.

معهداً، خوشبختانه همچنان راههای برون رفت از شرایط بد اقتصادی و جو روانی موجود و به تعبیری برساختی بسیار نامطلوب کنونی در دسترس و قابل جاری سازی هستند به شرط آن

که اراده و وفاق و اعتماد سیاسی و اجتماعی در سطح ملی و در هر دو وجه اجرایی و گفتمانی ایجاد شوند.

هیچ نظریه تخصصی و کارشناسی منکر این واقعیت نیست که با وجود همه فشارهای بین المللی یک دیپلماسی جامع با استراتژی بهره‌وری و محوریت ظرفیت‌های ملی و توان داخلی می‌تواند زیرساختهای بهره‌گیری از ظرفیتهای اقتصادی گسترده ایران را در جهت تولید ثروت و رفاه ملی ایجاد کند به شرط آنکه به جای بی‌اعتمادی و سوء ظن، مورد اعتماد و حمایت همه نیروهای سیاسی و مراجع قدرت ملی و نیز افکار عمومی قرار گیرد.

ظرفیت‌هایی چون موقعیت ژئوپولیتیکی ایران در ترانزیت کالا، خدمات و مسافر، فراهم بودن زیرساخت‌ها برای اخذ فن‌آوریهای روز دنیا در جهت ایجاد بیشترین ارزش افزوده در تولید همراه با اشتغالزایی‌های مولد جهت جلوگیری از خام‌فروشی در منابع غنی و ارزشمند معدنی و تولیدات باغی و کشاورزی و بی‌شمار دیگر ظرفیت‌هایی که به طور کلی مزیت‌های نسبی ایران را تشکیل می‌دهند، البته با مدیریت و لحاظ کردن صادرات آب مجازی.

این پژوهش می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که کوانتوم دیپلماسی با استراتژی بهره‌وری چه اهمیت و کارکردی در بُعد اقتصادی امنیت انسانی در جمهوری اسلامی خواهد داشت؟ بدون تردید شرایط بسیار نامطلوب کنونی حاکم بر اقتصاد کشور و دشواریهای معیشتی قریب به اتفاق مردم به همراه ناپایداری‌های جدی و مستمر در فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری، به هیچ وجه همخوانی و تناسبی با ظرفیت‌های فراوان بالقوه این کشور ندارد.

بعلاوه می‌توان با قاطعیت گفت که نابسامانی شرایط اقتصادی کنونی نه تنها با زیر سؤال بردن کارکرد دولت و به معنای وسیع‌تر حاکمیت، دستاوردهای عظیم جمهوری اسلامی در بخش‌های مهمی چون امنیت و پیشرفت‌های علمی و فناورانه را تحت الشعاع قرار داده و از نقطه تمرکز و توجه دور ساخته است بلکه چالشی جدی‌تر را رقم زده است که این چالش به مولفه و منبع تهدید علیه بقاء نظام و ثبات کشور تبدیل گشته است.

امروزه دولت‌ها در دنیا به ضرورت پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و اشتغال (بویژه برای جوانان و جامعه تحصیلکرده آنان) به عنوان پیش‌شرط مبارزه و حتی ریشه‌کن کردن فقر، عدالت اجتماعی، اقتناع افکار عمومی و توسعه پایدار پی برده‌اند و ملت‌ها و از جمله مردم سیاسی و مطالبه‌گر ایران به خوبی از نقش، عملکرد و وظایف دولت‌ها آگاه هستند.

بنابراین استفاده از همه ظرفیت های داخلی و بین المللی در جهت تزریق امنیت اقتصادی به بدنه جامعه و حفظ کرامت انسانها با برخورداری از حداقل های معیشتی که در سایه اشتغال و کارآمدی اقتصادی حاصل خواهد شد نه تنها وظیفه حاکمیت بلکه ضامن بقاء جمهوریت و شأن والای اسلامیت جمهوری اسلامی است.

حال با توجه به این مهم که هدف عمده دیپلماسی اقتصادی به معنای عام کمک به حصول پیشرفت در اقتصاد ملی است و مدل کوانتومی آن که در این پژوهش مطرح شده است، تسهیل گر و پیشینه ساز دستیابی به اهداف کوچک و بزرگ اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک و مردمی است، ضروری است خواه با ابزارها و فرایندهای اقتصادی، خواه غیر اقتصادی همچون مسیرهای فرهنگی، فناوری، دانشگاهی، ورزشی و ... با تسهیل فضای کسب و کار و همچنین فراهم نمودن شرایط جذب سرمایه گذاری خارجی و فناوری های نوین مورد نیاز صنعت و دیگر حوزه های مرتبط با اقتصاد کشور، استفاده از ظرفیت استثنایی ترانزیتی، معرفی جاذبه های پرکشش و به غایت درآمدزای گردشگری و ایجاد رونق صنعت، گسترش بازارهای صادراتی و همچنین بهبود تصویر جمهوری اسلامی ایران و فضای حاکم بر کشور نزد افکار عمومی بین المللی، اقتصاد کشور را مستحکم، مقاومتی و پر رونق سازیم.

پارادایم کوانتومی و کوانتوم دیپلماسی

در پارادایم کوانتومی جهان به مثابه ی شبکه ای پویا و در حال رشد از ارتباطات مشاهده می شود. مبانی فکری این دنیای زنده، توازن و تلاش مضاعف برای به دست آوردن تعادل است. در برابر ضعف ها و کاستی های تفکر نیوتونی، در این تفکر جدید مفاهیمی مانند همکاری، خلاقیت و احتمال های گوناگون شکل گرفت.

بر مبنای پارادایم کوانتومی دنیای ما پیوسته در حال گسترش و خود تحولی است و در این مسیر آن چه روز به روز بیشتر می شود، تنوع و پیچیدگی و زاده شدن دنیاهای جدید است. عنصر اساسی برای فهم این پیچیدگی، خودآگاهی و هوشمندی است. (فرهادی راد، ۱۳۹۷: ۲۸).

ویژگیهای رویکرد کوانتومی دارای زیرساختهای مفهومی مبتنی بر مولفه هایی اساسی زیر هستند: شبکه ای بودن و عملکرد سیستمی و پیچیدگی متغیرها و پارامترهای محیطی، پویایی و پیش بینی ناپذیری کنشها و واکنشها، ارتباطات رو به رشد و تحولی، چند امکانی هوشمند راه حلها و نتایج، وابسته به موقعیت بودن مسائل، تردید و ابهام و عدم قطعیت، کل نگر، غیر خطی و غیر قابل کنترل و نامعین بودن حقایق، خود سازماندهی سیستم ها و زیر سیستمها، فراگیری و دربرگیرندگی متقابل

تفاوت ها، تمرکز بر روی خلاقیت، کشف ناشناخته ها و امکان ها و ارزش های متفاوت و متقابل، جامعه مشارکتی و نبودن خلاء بین افراد و اشیا و موضوعات (Charlotte Shelton, 1999: 16).
به طور کلی نتیجه آن رویکردی که اساس تحقیقات دکارت درباره طبیعت است و جهان را همانند ماشینی ساعت واره مشاهده می کند؛ تسلط و کنترل، تقلیل گرایی، تجزیه و جدایی انسان از طبیعت و انسان ها از یکدیگر است، اصولی که در پارادایم کوانتومی وجود ندارند. (فرهادی راد، ۱۳۹۷: ۲۷).

دیردورف و ویلیامز مدل سازمان کوانتومی را به شرح فوق، معرفی می کنند و معتقدند در سازمان کوانتومی سه مولفه اصلی وجود دارد: خود، حرکت سیال و رهبری. با توجه به این نکته که نگاه ما به دیپلماسی در این پژوهش، ساختاری و سازمانی است، منظور از سازمان کوانتومی در این جا، سازمان و ساختار دیپلماسی است.

محل تلاقی این سه مولفه اصلی، یعنی خود، حرکت سیال و رهبری، گره کوانتومی نام دارد و ابتکارها، خلاقیت ها و ایده های نو در این ناحیه شکل می گیرند (دیردورف و ویلیامز، ۲۰۰۶). بنابراین سازمان کوانتومی سازمانی است که بر پیدایش راه حل ها، ایده ها و چشم اندازهای منحصر به فرد، از طریق در اختیار گذاشتن مجموعه مهارت ها، استعداد ها، بینش ها، تجارب و هویت های فردی همه اعضای سازمان و ارزش ها و اهداف سازمانی تاکید می کند (فرهادی راد، ۱۳۹۷: ۳۰). اسحاق نیوتون در اواخر قرن هفدهم میلادی قوانینی در فیزیک کشف کرد که نه تنها دنیای فیزیک بلکه سایر علوم را نیز متحول کرد. این قوانین و تفکرات تا حدود دو قرن بر جهان حاکم بودند اما در اوایل قرن بیستم، فیزیک دانان دریافتند که مکانیک نیوتونی نمی تواند رفتار ذرات ریز، مانند الکترون ها، هسته ی اتم ها و مولکول ها را به درستی توجیه کند. رفتار چنین ذراتی با مجموعه قوانینی به نام مکانیک کوانتومی قابل توصیف است. در واقع مکانیک نیوتونی فقط می تواند حرکت اجسام بزرگ را توصیف کند. جالب این که وقتی ما معادلات مکانیک کوانتوم را برای اجسام بزرگ به کار می بریم تبدیل به قوانین نیوتون می شوند، در واقع مکانیک نیوتونی زیر مجموعه ای از مکانیک کوانتومی است.

در قرن بیستم فردریک وینسلو تیلور با انتشار افکار خود تحت عنوان «اصول مدیریت علمی» و کارهای عملی خود از جمله مطالعه زمان و حرکت، پایه گذار مکتبی گردید که بعدها «مدیریت علمی» نامیده شد. بسیاری از مبانی فکری این مکتب و سایر مکاتب مدیریتی پس از آن، ریشه در دیدگاه نیوتونی فیزیک و مکانیک داشت. در حقیقت، در مدیریت علمی تیلور نوع

نگاه به سازمان و محیط بیرونی آن، شباهت زیادی به دیدگاه نیوتونی فیزیک و مکانیک داشت. سنجش دقیق، کنترل و هدایت، تعیین سلسله مراتبی، پیش بینی خطی و... از اصول زیربنایی این نگاه به شمار می رفت. (فرهادی، ۱۳۹۷: ۹).

اندیشمندان و پژوهشگران حوزه مدیریت، خطاهای مدیریت نیوتونی را به خوبی تشخیص دادند؛ به عنوان مثال «مدیریت نیوتونی برای درک سازمان به عنوان یک سیستم و محیط بیرونی آن دچار دو خطای عمده شده بود، دیدگاه ماشینی به انسان و توجه نکردن به الزامات محیط بیرونی» (اعتباریان، ۱۳۸۶).

به این ترتیب، در حوزه علوم انسانی نیز پارادایم کوانتومی با تاثیرات شگرف و غیر قابل انکار خود همانند سایر حوزه های علوم، مبانی زیربنایی تفکر و پارادایم نیوتونی را به چالش کشیده است. «بر مبنای این تفکر و رویکرد نو، قطعیت بر کار انسان ها و سازمان ها حاکم نیست، ارتباط بین سازمان و محیط بیرونی غیر قابل انکار است و سازمان و محیط پیرامون آن با تغییرات روز افزون، ناشناخته، پیچیده، غیر خطی و البته آشوبناک و غیر قابل پیش بینی مواجه است» (فرهادی، ۱۳۹۷: ۱۰). از همین رو است که «ما [اکنون] در دورانی زندگی می کنیم که از نظر تکنولوژی عصر کوانتوم نامیده می شود. این واژه در دهه ۱۹۲۰ برای توصیف فیزیک جدید یعنی قلمرو هسته ای ابداع گردید. قلمرو هسته ای همانطور که از نامش پیداست به هر چیزی در جهان مادی که کوچکتر از اتم است اشاره دارد.

در سطح هسته ای مفهوم نیوتونی "پیش بینی پذیری" باید با مفهوم نامعین تر "آمار" احتمال جایگزین شود. شاید عجیب ترین عجایب پدیده های کوانتومی موضوع ذهنی و فاعلی بودن قلمرو کوانتومی است. در دنیای تجربیات روزانه عمل مشاهده ماهیت آن چیزی را که در حال مشاهده شدن است را تغییر نمی دهد. در حالی که در سطح هسته ای این گونه نیست و مشاهده انسانی بر رفتار اجزای بی روح اثر می گذارد. تصمیم فیزیک دان درباره چگونگی مشاهده فوتون یا الکترون چگونگی رفتار آن را به صورت موج (الگوی ارتعاشی غیر متمرکز انرژی که نامحدود در مکان و زمان) و یا به عنوان ذره (موقعیت متمرکز در زمان و مکان) را تعیین می کند. کپرا (Chopra) این پدیده را این گونه توضیح می دهد: "اگر من آن را به عنوان موج بررسی کنم، با رفتار موج مانند پاسخ می دهد. الکترون خاصیت واقعی مستقل از ذهنم ندارد." در سطح هسته ای "عینیت" نیوتونی با "ذهنیت" کوانتومی جایگزین می شود. تعاملات اتمی نه تنها غیر قابل توصیف و پیش بینی هستند، بلکه به طرز کاملاً اسرار آمیزی از نیت و اراده ما به عنوان مشاهده کنندگان اثر می پذیرد. (Charlotte, Shelton, 1999: 13).

در گذشته تفکر سازمانی عمیقاً تحت تأثیر تفکر مکانیکی قرار داشت که معتقد بود جهان مجموعه‌ای از سیستمها و معلول‌های خطی است که برآیند علت‌های خاص هستند. تحت تأثیر این فضای فکری، اولویت رهبران سازمان حفظ وضع موجود بود. اما پیچیدگی و تغییرات روزافزون در محیط‌های سازمانی، مفاهیم جدیدی از دیدگاه کوانتومی را وارد ادبیات مدیریت و سازمان کرده است. دیدگاه کوانتومی، جهان را به عنوان یک سیستم پویا، خودسازمان دهنده و غیرقابل پیش‌بینی توصیف می‌کند. در این دیدگاه سازمان‌ها باید آرایش یادگیرنده داشته باشند (Charlotte, Shelton, 1991: 13-14).

جهان کوانتومی

جهان نیوتونی

<p>(۱) نامرئی و نامحسوس و انتزاعی (۲) پویا و ذاتاً در حال تغییر و جنبش (۳) غیر قابل پیش‌بینی و نامعین (۴) از ذهن مشاهده‌گر تأثیر می‌پذیرد. واقعیت ذهنی است (۵) سیستمی و همه چیز در تعامل با کل بهم پیچیده است (۶) از عواملی فراتر از آن چه چشم می‌بیند اثر می‌پذیرد، اتفاق‌ها از عواملی بسیار دور رخ می‌دهند (۷) از انرژی پر شده اند. انرژی حقیقت زندگی و نظام آفرینش است</p>	<p>(۱) مادی و مرئی و محسوس (۲) ثابت و ایستا و منفعل و بی روح (۳) قابل پیش‌بینی و کنترل (۴) واقعیت عینی است. از طریق مشاهده اثر نمی‌پذیرد (۵) همانند ماشین بهترین درک از طریق کاهش آن به قسمت‌های ساده تر امکان پذیر است. اجزای آن کل را تعیین می‌کند (۶) از طریق عوامل محلی کنترل می‌شود. علت و معلول به طور شفاف تشخیص داده می‌شوند (۷) وابسته به منابع انرژی خارجی</p>
---	--

(Charlotte, Shelton, 1991: 22)

جدول شماره ۲. مقایسه مفروضات نیوتنی و کوانتومی

مفروضات و باورهای نیوتنی	مفروضات و باورهای کوانتومی
حقیقت مطلق	احتمال‌های چند بعدی
دیدگاه مطلق	توجه به زمینه و بستر
یکسانی و یکنواختی	تنوع و تکثرگرایی
قطعیت	عدم قطعیت و ابهام
بسیط و ساده بودن	پیچیدگی

فرهادی راد

دیپلماسی کوانتومی مبتنی بر تفکر سیستمی و با ساختار سازمانی است. با توجه به غیر قابل انکار بودن محیط - که در دیپلماسی محیط بین الملل است - و سازمان، راهبردها و نگاه های زیادی به منظور موفقیت سازمان در دستیابی به اهداف در محیط کلان شکل گرفته اند. از جمله این راهبردها می توان به راهبردهای محافظتی، گسترش مرزهای سازمانی، ائتلاف، ادغام و همکاری اشاره کرد و میزان وابستگی متقابل سازمان (دیپلماسی) و محیط (شبکه پویای جهانی) تحت تاثیر عوامل زیادی هستند و نظریه های متعددی برای تحلیل این رابطه شکل گرفته اند. در دسته بندی کلی، برخی از این نظریه ها محیط بیرونی سازمان را خطی، قطعی و قابل پیش بینی می دانند و گروهی دیگر محیط بیرونی را غیر قابل پیش بینی، آشوبی و پیچیده تلقی می کنند. با توجه به ماهیت پیش بینی کنندگی و تبیین کنندگی نظریه، تحلیل رابطه بین سازمان و محیط بیرونی بر اساس نظریه های موجود به شناخت قوانین و قواعد حاکم بر محیط سازمان و یافتن راه های مناسب فعالیت در محیط های مختلف کمک می کند. سازمان های کوانتومی، با تکیه بر اصل وحدت وجود، شبکه ارتباطات سازمان با محیط را مدل سازی می کنند. رهاورد این تفکر ایجاد بستری برای برقراری ارتباط و گفتگوی سازنده بین افراد سازمان با یکدیگر و همچنین افراد سازمان با محیط بیرونی است. سازمان های کوانتومی به آسانی مرزهای سازمانی را می شکنند، روابط خارجی برقرار می کنند و از آن برای وارد کردن دانش، استعدادها و فرصت ها به درون استفاده می کنند. سازمان های کوانتومی از طریق اشاعه ی ارتباطات، همبستگی و یگانگی را به حداکثر می رسانند.

سازگاری با نوپدایی ها

سازگاری پیامد یادگیری کوانتومی است. سازگار شوندگی که در حقیقت توان و ظرفیت یادگیری در شرایط متغیر و پیچیده تعریف شده است، یکی از رویکردهای اساسی است که برای فعالیت در دنیای متغیر پیشنهاد می شود. یکی از ابزارهای سازگاری، در سازمان کوانتومی، داشتن تفکر کوانتومی است. مدیران و کارکنان تغییرات را به خوبی درک می کنند و شرایط ایجاد تغییرات مثبت را برای خود و سایر دست اندرکاران فراهم می آورند. آن ها می توانند بدون توجه به پیش دانسته های خود درباره ی افراد، از اندیشه ها و توانایی های آنها بهره ببرند.

دانستن کوانتومی، به معنی دانستن به شیوه خلاقانه و شهودی، یکی دیگر از عوامل سازگاری است. منطق اصل کوانتوم خلق راه های جدید برای انجام بهینه امور است و تفکر صرفاً وجود یک عنوان بهترین راه برای مسائل مختلف، در پارادایم کوانتومی ارزش و جایگاهی ندارد؛ بنابراین مدیران در سازمان

کوانتومی نقطه پایانی بر هیچ کدام از فرآیندهای مدیریتی نمی گذارند و همواره دامنه راه حل های بهتر را باز می گذارند. در سازمان کوانتومی، هر فرد عنصری بی هدف در مجموعه ای از ذرات نیست. همه دارای جهت گیری مشترکی هستند که خلاقانه و آگاهانه برای دستیابی به آن فعالیت می کنند؛ بنابراین مسئولانه عمل می کنند به گونه ای که خود را در هر موقعیتی مالک موفقیت ها و مشکلات سازمان بدانند. سازگاری در این شرایط، نوعی خردورزی، هوشمندی و خودآگاهی است.

تعارض توامندساز

تعارض پدیده ای است که می تواند برای سازمان پیامدهای مثبت و سازنده داشته باشد یا در سازمان اختلال ایجاد کند و به عبارتی دارای پیامدهای مخرب باشد. توانایی و مهارت برخورد با تعارض و مدیریت آن در موفقیت مدیران و سازمان ها نقش بسیار مهمی دارد. چنانچه تعارض ها سازنده باشند، موجب بروز افکار نو، خلاقیت و نوآوری می شوند و زمینه تغییر، نوآوری و تحولات سازنده و پویا را در سازمان فراهم می سازند.

هم افزایی سازمانی

داستان هم افزایی این است که برون داد تلاشهای افراد از طریق تشریک مساعی افزایش پیدا می کند. فولر تاثیر بسیاری بر گسترش واژه ی "هم افزایی" گذاشت. او بر جست و جو و خلق هم افزایی متمرکز شد و سرانجام توانست اصول اساسی سیستم های تعاملی را بیابد. هم افزایی گروهی، پیامد فعالیت های گروهی تعدادی از افراد است که به شیوه همکارانه و هماهنگ با همدیگر کار می کنند، به طوری که می توانند مانند یک فرد، با هم فکر و حرکت کنند. این عمل به طور غریزی متوازن، مثبت و توانمند ساز است و منابع گروه را به صورت یک کل به کار می گیرد (دیردورف و ویلیامز، ۲۰۰۶).

اعتماد و شجاعت

اعتماد شجاعت آفرین است. همان طوری که در سطح فردی شجاعت قابل تکریم است، شجاعت سازمانی نیز ستودنی است. شجاعت سازمانی، آمادگی ذهنی و روانی لازم برای اجرای ایده های نو، خلاقیت ها و ابتکارات و دادن فرصت به تازه واردانی است که به نتایج کارشان ایمان داریم. سازمان کوانتومی در پیدایش راه حل ها، ایده ها و چشم اندازهای منحصر به فرد استوار است. راه حل ها و ایده های نو تا زمانی که در بستر افکار انسان ها و پس ذهن افراد پنهان باشند، ارزش چندانی ندارند. سازمان کوانتومی با میدان دادن به گفت و گوی مثبت و

سازنده به همه اعضای سازمان اعتماد می کند و شجاعت رویارویی با نقدهای متعدد و از زوایای مختلف را به وجود می آورد.

مدیریت بهینه تغییر و کیفیت

کیفیت مفهومی چند شکلی و چند بُعدی است. تصورات، ارزش ها، مقاصد کلی و اهداف خاص هر فرد یا گروه ذی نفع پایه های تعریف کیفیت را تشکیل می دهند. رسیدن به کیفیت، مستلزم تغییر و مدیریت تغییرات است. میر کمالی در تعریف تغییر می گوید: "فرآیند انضمام، اصلاح، حذف یا جایگزینی منابع مادی و انسانی، سخت افزاری و نرم افزاری، نگرش ها، رفتار، عملیات و رفتار سازمانی به منظور هماهنگی با خواسته ها، نیازها و ضرورت حال و آینده ی جامعه و بقای خود سازمان را تغییر می گویند" (فرهادی راد، ۱۵۸: ۱۳۹۷).

سازمان کوانتومی در عمل

برای ایجاد سازمان کوانتومی در عمل، ضروری است که است مؤلفه های زیر شکل گیرند: نگاه سیستمی و فرآیندی به مسائل، آگاهی از مسائل پیچیده و درک دلایل ریشه ای، بنیادی و مفروضات پنهان. شناخت و درک شبکه ذی نفعان، شناسایی و لحاظ نمودن هر ذره ی مرتبط و موثر در فرآیند نیل به اهداف به دور از تعصب و خودی و غیر خودی پنداشتن افراد، بکارگیری همه ظرفیت های کوانتومی، ایجاد و توسعه کار تیمی، توانمندسازی نیروی انسانی در مهارت درک و حل مساله به جای رفتار استاندار از پیش تعیین شده و اجرای وظیفه ای دستورات، ظرفیت نوآوری در سازمان، رشد و یادگیری مستمر کلیه اعضا، تبدیل کارکنان از افرادی منفعل و ذی نفع فردی به مشارکت کنندگانی هوشمند و فعال با محوریت منافع سازمانی و ملی از طریق مدیریت دانایی افراد، تسهیم دانش و ایجاد و توسعه غنای فرهنگی، ایجاد و توسعه شبکه های ارتباطی درون سازمانی، میان سازمانی و برون سازمانی و هدایت و خروج آنان از انحصار کانال های رسمی ارتباط و ایجاد نگاه های چند وجهی در مدیران و کارکنان.

ایجاد چنین تحولاتی در گرو توجه و اولویت بخشیدن به نکات ظرفیتی همچون جنبه های انسانی و فرهنگی، ایجاد انگیزه ها و پرورش مهارت های شخصی، مشارکت گروهی و تدوین استراتژی و تاکتیک های هدفمند است. در حقیقت به زعم رالف کیلمن (۲۰۰۱) برای رسیدن به سازمانی کوانتومی لازم است به سه مقوله ی اصلی مبانی کوانتومی، فرآیندهای رسمی و مدیریت فرآیند توجه شود.

در دنیای کوانتومی، رابطه های ساده تک علیتی، جای خود را به روابطی با علیت چند گانه، پیچیده و در هم تنیده می دهند. در دیدگاه سنتی، نگاه از بالا به پایین و از بیرون به درون بود اما در رویکرد

کوانتومی نگاه های احتمالی و با مبانی مختلف جایگزین شده اند. در دیدگاه کوانتومی، هر انسان سرشار از نیروهای ذاتی و اکتسابی است که سازمان با زمینه سازی و بهره گیری اندیشمندانه از آن ها می تواند تفکر خلاق و نیروی درونی آنها را در جهت استراتژی سازمان به کار بگیرد. همه ی ابعاد سازمان و منابع انسانی و مادی فرو ملی، ملی و جهانی مانند ذرات وجودی یک ماده در تشکیل آن و دستیابی به اهداف، موجودیت و مشارکت داشته و فعال هستند. هوشمندی این ذرات در برابر کلیت وجودی سازمان دیپلماسی، ارتباطات بی انتها و جهان شبکه ای که بین این ذرات وجود دارد و مشاهده مستمر و واکنش های احتمالی هوشمندانه و حساب شده که این کلیت در برابر محیط بیرونی از خود نشان می دهد، همه و همه ظرفیت هایی هستند که مدیران سازمان ها برای بقا، تداوم و اثربخشی سازمانی باید به آن ها توجه داشته باشند. کیلمن (۲۰۰۱) معتقد است برای ایجاد سازمانی با این ویژگی ها لازم است مبانی کوانتومی داشته باشیم. مطابق دیدگاه وی، برای ایجاد زیرساخت های کوانتومی در سازمان، باید در سه بعد فرهنگ، مهارت ها و تیم تغییراتی ایجاد کرد. (فرهادی راد، ۱۳۹۷: ۱۶۵-۱۶۴).

بر خلاف رویکرد نیوتونی، در سازمان و عمل کوانتومی دیپلمات ها و کارکنان بخش دیپلماسی در مشاغل وظیفه ای صرفا رسمی و تعریف شده و چارچوبی محدود و متصلب محاصره و کم اثر نمی شوند و تصمیم های راهبردی و راهکارهای کسب اهداف به صورت رفت و برگشتی به هر دو شکل عمودی و افقی و همچنین دورانی در سراسر سازمان جریان دارد. این به این دلیل است که شیوه های استاندارد و از پیش تعیین شده و سلسله مراتبی با ماهیت مسائل و مشکلات دنیای پیچیده و متغیر امروز سازگاری ندارند. در چنین فضایی افراد با همکاری های فزاینده در قالب ارتباطات فراکتال شبکه ای و با بکارگیری و تسهیم دانش و تجربیات هم افزای جمعی و همچنین در تعامل موثر با عناصر بزرگ و کوچک برون سازمانی در جهت نیل به اهداف استراتژیک تلاش می کنند. در این مدل باید در فرآیند اتخاذ و اجرای تصمیمات، شبکه ذی نفعان که معمولا هم گسترده هستند در تلاش ها برای نیل به هدف دیده شوند. همچنین توجه به مسائل و شرایط محیطی فاکتور مهمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

محیط سازمان کاری عبارت است از تمام عواملی که در خارج از سازمان وجود دارند و بر تمام یا بخشی از سازمان و فعالیت ها و دستاوردهای آن اثرات بالقوه دارند. محیط دارای بخش ها یا اجزایی است که در خارج از سازمان قرار دارند. می توان برای هر سازمان ۱۰ بخش برشمرد: صنعت، مواد اولیه، منابع انسانی، منابع مالی، بازار، تکنولوژی، شرایط اقتصادی، دولت، عوامل فرهنگی-اجتماعی و اوضاع و شرایط بین المللی. به طور کلی انواع اصلی و کلان تبادلات سیستم عبارت از مواد، انرژی و اطلاعات است (سیدجوادی، ۱۳۹۶: ۴۵۱). البته نباید از نظر دور داشت که محیط پیچیده امروز را نمی توان با الگوهای ساده خطی و تحلیل های سطحی،

برساختی و ژورنالیستی فهم و احصاء کرد. به هر حال در پارادایم کوانتومی سازمان و مدیریت و دیپلماسی، سیستم ها، اهداف و نگاه سیستمی و فرآیندی داشتن از اهمیت بالایی برخوردار هستند.

کوانتوم دیپلماسی در سطح ساختاری و سازمانی

مؤلفه های سازمان های کوانتومی از منظر اندیشمندان این حوزه در جدول زیر خلاصه شده اند.

جدول ۳. جمع بندی مؤلفه های سازمان کوانتومی

مؤلفه های سازمان های کوانتومی از منظر اندیشمندان
رالف کیلمن (۱۹۸۹): ۱. فرهنگ (سازگاری، اعتماد و هم رسانی اطلاعات) ۲. مهارت ها (یادگیری مدیریت مسائل) ۳. تیم سازی ۴. راهبرد و ساختار (مرتبط ساختن افراد، وظایف و اهداف) ۵. سیستم پاداش.
کیلمن (۲۰۰۱): ۱. مبانی سازمان کوانتومی (فرهنگ - مهارت ها - گروه) ۲. سیستم های رسمی سازمان (راهبرد، ساختار، سیستم پاداش) ۳. مدیریت فرآیندهای سازمان (فرآیندهای جاری، فرآیندهای بنیادی، فرآیندهای یادگیری) ۴. هوشمندی و خودسازمان دهی (افراد، گروه ها، فرآیندها)
دی پورتر (۱۹۹۲): ۱. روحیه و بینش مشترک ۲. ارزش های مشترک ۳. ارتباط و گفت و گوی مثبت ۴. اعتماد و شجاعت فردی ۵. چرخه ی یادگیری دو حلقه ای و کوانتومی
دانا زوهار (۱۹۹۷): ۱. فرهنگ سازمانی ۲. ساختار سازمانی (منعطف و پاسخگو) ۳. ارتباطات (بین رهبر و کارکنان، همکاران، بخش ها و گروه های کاری، ساختارها) ۴. خودسازمان دهی (افراد، گروه ها و بخش ها) ۵. بینش محوری ۶. خلاقیت
مارک یانگ بلاد (۱۹۹۷): ۱. فرهنگ سازمانی ۲. ساختار سازمانی (انعطاف، خلاقیت، توازن و ...) ۳. مهارت های فردی (رهبری فردی، تسلط فردی) ۴. بینش مشترک ۵. تکنولوژی
شلتون (۱۹۹۹): ۱. ساختار ۲. ارزش ها ۳. راهبرد ۴. بینش ۵. مهارت های کوانتومی
استیوارت (۲۰۰۲): ۱. عدم تعادل ۲. خودسازمان دهی ۳. سازمان یادگیرنده ۴. دنیای مشارکتی ۵. هوش سازمانی
گیلیند (۲۰۰۴): ۱. هوشمندی و خودآگاهی افراد ۲. بینش محوری و راهبردی بودن دانشگاه ۳. تعهد افراد ۴. جریان داشتن اطلاعات در دانشگاه
کلایتون و همکاران (۲۰۰۸): ۱. خودسازمان دهی (ابتکار، هوشمندی و خودگردانی) ۲. نیروی انسانی (ماهر و منعطف) ۳. ساختار سازمانی (دارای بخش های کوچک و خودگردان) ۴. ارتباطات ۵. تعهد
ویلیام گیلوری (۲۰۰۷): ۱. اهداف راهبردی (چشم انداز، ارزش ها و مأموریت) ۲. ویژگی های سازمان (سازگاری خلاق، ائتلاف فرهنگی، نیروی کار پاسخ گو، مدیریت دانایی) ۳. تنوع (گوناگونی) ۴. تعاون

(فرهادی راد، ۱۳۹۷: ۷۷-۷۶)

کوانتوم دیپلماسی از منظر مدیریتی-فرآیندی

جدول شماره ۴. تفاوت ها و شباهت های رویکردهای نوین

موضوع	مورد	مدیریت کیفیت فراگیر	بازمهندسی فرآیندهای کار	سازمان های یادگیرنده	سازمان های کوانتومی
سازمان	نگرش هدف	سیستمی بقا	سیستمی بقا	سیستمی بقا	سیستم زنده بقا و تکامل
	راهبرد	بهبود کیفیت	یکپارچه سازی فرآیندها	یادگیری سازمانی	هوشمندی و خودسازمان دهی
	تأکید	ارتباط اجزاء	کل نگر	پویایی	سازگاری پویا
محیط	راهبرد	تعامل با محیط	تعامل با محیط	تعامل با محیط	تعامل و سازگاری با محیط
	تأکید	مشتریان و تأمین کنندگان	مشتریان و فناوری	پیچیدگی محیط	پیچیده و آشوبی
منابع انسانی	راهبرد	توانمندسازی مشارکت	توانمندسازی مشارکت	توانمندسازی مشارکت	توانمندسازی مشارکت
		معرفی برجستگان	افزایش بینش	رشد قابلیت فردی	رشد مهارت های کوانتومی
	تأکید	----	ارزایی نتیجه کار	آزادی فکر و اندیشه	آزادی فکر و خلاقیت
		----	----	گفت و گو	گفت و گو و شجاعت فردی
رهبری	راهبرد	دموکراتیک	اقتدارگرا	دموکراتیک	دموکراتیک
	تأکید	بهبود کیفیت	یکپارچه سازی فرآیندها	آرمان سازی	بینش مشترک
	زمان	تدریجی	سریع	تدریجی	سریع
سازمانی	عمق	محدود	زیربنایی	زیربنایی	اتقلابی
	ابزار	فنی / فرهنگی	فنی / فرهنگی	فنی / روان شناختی / جامعه شناختی	فنی / روان شناختی / جامعه شناختی
	نحوه ی مشارکت	از بالا به پایین و برعکس	از بالا به پایین	از پایین به بالا	شبکه ای

(فقیهی و رجب بیگی، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

امنیت انسانی

امنیت انسانی کانون توجه خود را در تامین امنیت از دولت، به اشخاص و افراد فارغ از جنسیت، نژاد، دین، قومیت، شهروندی و سایر خصوصیات منتقل می کند.

«هدف امنیت انسانی محافظت از هسته حیاتی همه افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع است؛ به نحوی که با شکوفایی و کمال بلند مدت آدمی سازگاری داشته باشد». هدف امنیت انسانی محافظت از گوهر حیات^۱ انسان از تهدیدهای مهم و هموار کردن مسیر شکوفایی و کمال وی است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۱۸). مفهوم امنیت انسانی بر حفاظت افراد- به عنوان مرجع امنیت، هدف نهایی صلح و ثبات بین المللی- تأکید دارد (Fuentes and Rojas, 2005: 20). این رویکرد، گاهی تهدید را از جانب دولت می داند و گاهی آن را خارج از چارچوب دولت ها، مانند عوامل طبیعی و زیست محیطی، مورد شناسایی قرار می دهد. در دکترین امنیت انسانی، فرد انسان نه به عنوان یک تبعه یا یک شهروند، بلکه فی نفسه و از آن رو که انسان است، اهمیت می یابد (UNDP, 1995: 229-236). در همین راستا، در سال ۱۹۹۵، کمیسیون حکمرانی جهانی در گزارشی با عنوان «همسایگی جهان ما»^۲ بر این نکته تأکید ورزید که مفهوم امنیت جهانی باید فراتر از تمرکز سنتی بر امنیت دولت ها دیده شود و به سمت امنیت انسان ها و امنیت کره زمین گسترش یابد (The commission on Global Governance, 1995: 338).

مفهوم امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی، که امروزه مهم ترین شاخص های توسعه یافتگی را به خود اختصاص داده، از دیدگاه رابرت ماندل عبارت است از «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی» (Mundell, 1999: 107). از دیدگاه بوزان نیز امنیت اقتصادی عبارت است از «نظم بین عوامل اساسی تهیه نیازهای معیشتی انسان یعنی منابع اولیه تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه به طوری که نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از نبود یا حتی احتمال نبود این ضروریات احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آنها سلب نشود» (Akhavan Kazemi, 2008: v.29, 189).

¹ Vital Core

² Our Global Neighborhood

ابعاد اقتصادی امنیت انسانی از منظر تهدیدات، ذیل **تهدید های غیر مستقیم** قرار می گیرد. عمده این تهدیدات که در واقع زایل کننده کرامت انسانی افراد و مانع شکوفایی اقتصادی و اجتماعی و همچنین عامل تهدید ثبات سیاسی و امنیت ملی خواهد بود عبارت هستند از: تامین نشدن حواجی و نیازهای اساسی و ابتدایی فرد و افراد و محرومیت از حقوق مادی اولیه انسانی (غذا، آب آشامیدنی سالم، مراقبت های بهداشتی اولیه، آموزش و پرورش مقدماتی) جملگی باعث **محرومیت های اساسی** می شوند.

میزان پایین تولید سرانه و تولید ناخالص داخلی، رشد کند و اندک تولید ناخالص ملی، تورم، بیکاری، نابرابری، رشد بی رویه یا افول جمعیت، کاهش در آمد ملی، فقر در سطح ملی، بی ثباتی اقتصادی در سطح منطقه و جهان و همینطور تحولات دموگرافیک که می تواند منجر به تاثیر منفی و مخرب روی آمایش سرزمینی شود، جملگی شاخص و علت **عقب ماندگی** خواهند شد.

حال، بر اساس تجربه زیست بشری، **ترکیب محرومیت و عقب ماندگی** جوامع بشری علاوه بر ایفای نقش علیت برای تهدیدهای مستقیم امنیت انسانی همچون: افراط گرایی، شیوع و گسترش خشونت، تروریسم، رشد جرایم، آشوب های اجتماعی، بروز جنگ و درگیری، بد رفتاری با زنان و کودکان و همچنین قاچاق آن ها، اعتیاد به مواد مخدر، شیوع بیماری های عفونی و امراض کشنده، می تواند زمینه و بستر ساز تنشهای داخلی، منطقه ای و بین المللی گردد و استعمار فکری و عینی جوامع محروم و عقب مانده توسط قدرتهای کوچک و بزرگ را تسهیل کند. با نگاهی دقیق به مناطق پرآشوب خاور میانه و آفریقا می توان به راحتی پدیده هایی این چنین ویرانگر را مشاهده کرد. بنابراین برای داشتن انسان هایی سالم و پرهیز از تهدیدهای امنیت انسانی، امنیت اقتصادی می تواند همچون سرچشمه واژه خود یعنی امنیت، در زندگی انسان ها و دستور کار دولت ها از اهمیت و اولویت برخوردار شود. بنابراین در این بخش، به بررسی کارکرد دیپلماسی اقتصادی با رویکرد کوانتومی در مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی که به ویژه برای ایران از اهمیت زیادی برخوردار هستند، می پردازیم؛ سرمایه گذاری مستقیم خارجی، اخذ فناوری های نوین با هدف افزایش بهره وری تولید، توسعه و رونق صنعت گردشگری و در نهایت گسترش بازارهای صادراتی و افزایش صادرات.

با فرض ثابت گرفتن سایر عوامل موثر بر سرمایه گذاری خارجی مستقیم خارجی، و همچنین متغیرهای موثر در صنعت توریسم و فرآیند صادرات، یعنی: سیاست گذاری اقتصادی (مثل ثبات، میزان

ریسک سرمایه گذاری و ...)، ساختار اقتصادی (زیر ساخت هایی نظیر راه، بنادر، حمل و نقل و راه های ارتباطی)، قوانین تشویقی و حمایتی (مثل معافیت های مالیاتی، یارانه و ..) و همچنین عوامل سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی و ...، کوانتوم دیپلماسی با رویکرد اقتصادی و تجاری تاثیر قابل ملاحظه ای در جذب سرمایه گذاری خارجی، دستیابی به تکنولوژی روز به عنوان مدلی نوین از سرمایه با کارکرد افزایش بهره وری تولید، توسعه و رونق صنعت گردشگری و بازاریابی صادرات برای کالاها و خدمات داخلی خواهد داشت که این همه منجر به رشد تولید ناخالص ملی (GDP) خواهد شد. به طور کلی رشد جریان سرمایه و درآمد ملی در عرصه اقتصاد کشور به ویژه اگر با شفافیت و مدیریت کارآمد همراه باشد، یکی از مهم ترین محرک های اقتصادی تولید و در پی آن خدمات خواهد بود و این مهم که منجر به رونق کسب و کارهای داخلی و بنگاه های کوچک و بزرگ اقتصادی خواهد شد یعنی نیاز به جذب نیروی کار بیشتر و درآمد سرانه بالاتر.

اهمیت و تاثیر جذب سرمایه گذاری خارجی

انباشت سرمایه به لحاظ نظری یکی از پیش نیازهای اساسی فرآیند رشد اقتصادی به شمار می رود که می تواند از منابع مالی داخلی (پس اندازها) و یا منابع خارجی تامین شود. منابع مالی خارجی نه تنها مکملی برای پس انداز داخلی بوده و در واقع، شکاف پس انداز-سرمایه گذاری (Investment-Saving Gap) را پر می کند، بلکه راه حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی است. سرمایه به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی از ارکان بنیادین اقتصاد به شمار می رود. بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه، برای رسیدن به توسعه اقتصادی بسیار تلاش می کنند و با اتخاذ سیاست های اقتصادی می کوشند تا اشتغال کامل و رشد اقتصادی مستمر خود را در گرو سرمایه گذاری تامین نمایند (جهانگرد و شیرمرد، ۱۳۹۲: ۲).

لج یونگ و ال (۲۰۰۷) به بررسی موضوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی و توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی برای ۲۸ استان چین با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته در دوره زمانی (۱۹۸۶-۲۰۰۳) پرداختند و نشان دادند که تاثیر متقابل بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شاخص مالی، رشد اقتصادی را بهبود می بخشد. جلالی و صباغ پورفرد (۱۳۸۳) در تحقیقی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی را از مسیر بازارهای مالی ایران بررسی نمودند. بر اساس نتایج به دست آمده توسعه بازارهای مالی موجب افزایش اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ایران خواهد شد. (خلیلی عراقی و سلیمی شندی، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

از آن جایی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق معادله رشد یک ارتباط سیستماتیک با متغیرهایی همچون: مصرف، صادرات، سرمایه گذاری داخلی و ... برقرار می کند، اتخاذ سیاست هایی که بتواند با این ارتباط سیستماتیک همسو شود، باعث می شود که کل متغیرهای اقتصادی مهم در کشور شاهد تحولی مثبت باشند. البته اصلاح و تصحیح قوانین و مقررات مربوط به سرمایه گذاری خارجی و رفع نقاط ضعف آن جهت رفع هرگونه ابهام برای سرمایه گذاران خارجی ضروری به نظر می رسد (فدایی و کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۲).

اهمیت و تأثیر دستیابی به تکنولوژی های نوین

در طی سه دهه گذشته تکنولوژی به عنوان یک محرک اساسی و عامل مهم رشد اقتصادی جدید با قابلیت بی نظیر در سطح ارتقاء توسعه و پیشرفت، ادبیات و مفاهیم جدیدی را به حوزه توسعه اقتصادی وارد کرده است. قابلیت های ایجاد شده توسط تکنولوژی نوین، فراگیر شدن استفاده از آن در تمامی سطوح در سطح جهان، وابستگی روزافزون بشر به تکنولوژی های جدید و گردش بزرگ مالی حاصل از آن، منجر به شکل گیری قلمرو اقتصادی بسیار قوی و رو به رشد شده است که بسیاری از مرزهای توسعه و پیشرفت را درنور دیده و ناممکن ها را ممکن ساخته است.

سولو در مقاله خود در سال ۱۹۵۷، ستاده کل را به عنوان خروجی فرآیندی در نظر گرفت که کار، سرمایه و تکنولوژی را ترکیب می کند.

توسعه اقتصادی مسئله اول تمامی دولت ها است و بدیهی است که برای این منظور از تمامی امکانات و فرصت های موجود که می توانند محرک و عامل رشد اقتصادی باشند، بهره می گیرند. اما لازمه بهره گیری از این فرصت جدید آگاهی دقیق از کمیت و کیفیت و چگونگی اثر تکنولوژی بر اقتصاد و برنامه ریزی برای بهره برداری بهینه از آن است. قدم اول برای این منظور، انجام مطالعات علمی دقیق و تدوین مستندات بر پایه شناخت دقیق و بر اساس واقعیت شرایط موجود است.

اینکه چگونه می توان رشد اقتصادی را سرعت بخشید و عوامل موثر بر آن کدامند و دامنه اثر هر عامل چقدر است، از سوالات کلیدی محققان این حوزه بوده و هست. اولین توجه جدی به مقوله رشد اقتصادی، مربوط به اقدامات آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ در کتاب "درباره ماهیت و علل ثروت ملل" است. این مطالعات تا سال ها همچنان تقویت شد و در سال ۱۹۵۶ توسط

"روبرت سولو"^۱ شکل جدیدی به خود گرفت. بعدها به دلیل کاهش رشد اقتصادی در سال ۱۹۷۳، شیوه مطالعات در مورد رشد اقتصادی تغییری دوباره یافت و تا اواخر دهه ۱۹۸۰ ادامه پیدا کرد. یکی از عوامل متعدد موثر بر رشد اقتصادی، تکنولوژی است که به خصوص در طی سالیان اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است (صف آرا، ۱۳۹۵: ۲).

سوال اصلی در مورد رشد اقتصادی آن است که چرا برخی کشورها، ثروتمند و برخی دیگر فقیرند و اینکه چرا نرخ رشد اقتصادی در بین کشورها متفاوت است. قبل از سولو، نظر غالب آن بود که کشورهایی که پس انداز و در نتیجه، سرمایه گذاری بیشتری در سرمایه فیزیکی انجام می دهند، رشد بالاتری در آینده خواهند داشت. بر این اساس، کشورهایی که مصرف حال را به منظور انجام مصرف بیشتر در آینده به تعویق اندازند، احتمالاً شاهد رشد اقتصادی بیشتر و ثروت بیشتر در بلند مدت خواهند بود. سولو در مقاله خود در سال ۱۹۵۷، ستاده کل را به عنوان خروجی فرآیندی در نظر گرفت که کار، سرمایه و تکنولوژی را ترکیب می کند. این فرآیند توسط تابع تولید کاب-داگلاس نمایش داده شد که حاکی از صرفه های ثابت نسبت به مقیاس و بازدهی نزولی نسبت به عوامل، به شکل زیر است:

$$Y = A_0 K^\alpha L^{1-\alpha}$$

که α و $1 - \alpha$ درآمد نسبی سرمایه و نیروی کار است و تکنولوژی A نیروی کار: L و سرمایه: K و ستاده کل: Y

سولو پیشرفت فنی A را به عنوان یک عامل برونزا در تابع تولید کاب-داگلاس معرفی نمود که به صورت برونزا نشان می دهد که چرا اغلب کشورهای صنعتی، رشد مداوم ستاده سرانه در بلندمدت را داشته اند. تغییرات فنی به عنوان نیروی معرفی شد که تابع تولید سرمایه سرانه را به سمت بالا شیفت می دهد. بنابراین یک تابع پس انداز ناخالص بالاتر، ثابت خواهد بود. براساس نظریه ها و مدل های رشد اقتصادی، توسعه تکنولوژی بر رشد اقتصادی تأثیر بارزی دارد که البته این تأثیر در کشورهای دارای فناوری و استفاده کننده (خریدار فناوری) متفاوت است و جالب آنکه در مواردی کشورهای استفاده کننده فناوری می توانند صرفه (اقتصادی) بیشتری از توسعه فناوری به نسبت کشورهای توسعه دهنده فناوری ببرند.

¹ Solow, Robert

در بیشتر مطالعات انجام شده تکنولوژی به عنوان عاملی موثر در الگوی رشد درونزا معرفی شده است که در آن رشد بلندمدت، تابعی از رشد تکنولوژی است. در این تحقیقات رشد بلندمدت تولید سرانه برابر با رشد فناوری و سرمایه انسانی است که سطح درآمد سرانه را متاثر می کند. بر اساس مطالعات انجام شده، تکنولوژی به عنوان نهاده در کنار سایر عوامل تولید، باعث بهبود فرآیند تولید، تعمیق سرمایه، پیشرفت فناوری و بهبود کیفیت نیروی کار می شود. پیامدهای این اثر، افزایش ارزش افزوده در سطح بنگاه، بخش و کشور و سرانجام رشد اقتصادی، بهره وری و رفاه مصرف کننده است.

با استفاده از داده ها و برآورد الگوی تحقیقات سولو نتیجه این شد که تکنولوژی و سرمایه، هر دو جزء عوامل تاثیرگذار و معنادار بر رشد اقتصادی در ایران هستند. افزایش هر کدام از این عوامل می تواند رشد اقتصادی در ایران را افزایش دهد.

اهمیت و تاثیر صنعت گردشگری

وابستگی به درآمد نفت یکی از ویژگی های برجسته اقتصاد ایران است که این میزان در سه دهه گذشته افزایش یافته است. با آن که ذخایر نفتی و گازی ایران بسیار غنی است اما علاوه بر پایان پذیری منابع سوخت های فسیلی، حجم بالای سرمایه گذاری مورد نیاز در صنعت نفت و گاز و همچنین تعهد اروپا در قالب پیمان سبز و همچنین راهبرد کشورهای توسعه یافته مبنی بر به صفر رساندن مصرف سوخت های فسیلی در تولید انرژی برق و تعهد به استفاده از انرژی های تجدید پذیر، دلیل محکمی بر پرهزینه بودن و ناپایداری درآمدهای حاصل از نفت و گاز به ویژه به صورت خام فروشی است.

بنابراین، اهمیت صنعت گردشگری در ایران به عنوان محل درآمد ملی پایدار، به ویژه در دهه های آینده که چشم انداز روشنی از درآمدهای نفتی به دست نمی دهد، بر هیچ کس پوشیده نیست به خصوص که با نگاهی روند پژوهانه می توان گفت که تا سال ۲۰۵۰ یا حتی پیش از آن مرزهای صنعت نفت و گردشگری در سهم از تولید ناخالص ملی و ایجاد اشتغال در کشورهای صادر کننده نفت که دارای جاذبه های گردشگری هستند جا به جا خواهد شد مگر این که ناکارآمدی مدیریتی و خلاء های برنامه ای و سیاست های غلط توسعه ای دلیلی شود بر رکود صنعت گردشگری و افول شدید درآمدهای ملی.

گردشگری اکنون نیز به عنوان سومین صنعت مولد سرمایه بعد از نفت و خودروسازی از جایگاه بالایی در سطح جهان برخوردار بوده و برای بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال

توسه می تواند به مهمترین منبع اشتغال و کسب درآمد ملی تبدیل شود. صنعت گردشگری به عنوان متنوع ترین و بزرگترین صنایع در جهان، مهمترین منبع درآمد و یکی از فرصتهای ایجاد اشتغال در بسیاری از کشورهای دنیا است. این صنعت که به عنوان موتور توسعه از آن نام برده می شود، به علت اهمیتی که از نظر اقتصادی و اجتماعی دارد، روز به روز اهمیت و سهم بالاتری در اقتصاد کشورها پیدا می کند و با ایجاد بالاترین میزان ارزش افزوده به صورت مستقیم و غیر مستقیم در تقسیم بندی جهانی پس از نفت و خودروسازی، جایگاه سوم درآمدی را به خود اختصاص داده است. همچنین اشتغال زایی در این صنعت بالا بوده و نیروی انسانی فعال در این صنعت نیاز به آموزش های بلند مدت و پر هزینه ندارند. امکانات موجود در ایران نشان می دهد که ایران ظرفیت جذب سالانه ۲ تا ۳ میلیون گردشگر خارجی را دارد و این صنعت بعد از صنعت نفت، مهم ترین گزینه و فرصت برای کسب درآمد ارزی خواهد بود که می تواند وابستگی اقتصاد تک محصولی ما به نفت را کاهش دهد. لوئیس ترنر، توریسم را به عنوان امیدبخش ترین، پیچیده ترین و قابل جایگزین ترین صنعتی می داند که کشورهای جهان سوم باید آن را جدی بگیرند چرا که عامل مهم و اثربخشی در کاهش فقر و بیکاری در این کشورها خواهد بود.

اهمیت، تاثیر و راهکارهای توسعه صادرات غیر نفتی

بررسی های علمی ثابت کرده است که رشد اقتصادی کشورها به دلایلی چند با صادرات آن ها ارتباط دارد. روند رو به رشد تجارت جهانی با بهره گیری از استراتژی های فعال تجاری، انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات و رفع موانع در سطوح بین المللی، شتاب فزاینده ای یافته است. بنابراین حضور فعال در تجارت جهانی نیاز به توجه ندارد. (لطفی، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

چهار مولفه اصلی تاثیرگذار اساسی بر صادرات می گذارند که عبارتند از:

عامل فردی (تحصیلات، تجربه، دانش صادراتی، روابط عمومی)، **عامل اقتصادی** (بازارهای صادراتی، یارانه های دولتی، قیمت گذاری صادراتی، بازاریابی صادراتی)، **عامل محیطی** (قوانین و مقررات، تکنولوژی، ارتباطات غیر رسمی، عوامل سیاسی)، **عامل جانبی محصول** (طراحی و بسته بندی، کیفیت محصولات، ضمانت و خدمات پس از فروش، کانال های توزیع، برند محصولات)

تجزیه و تحلیل نتایج نشان می دهد که در بین عوامل موثر بر افزایش صادرات از دیدگاه صادرکنندگان به ترتیب عامل محیطی به ترتیب متغیرهای (قوانین و مقررات، فرهنگ، ارتباطات خاص، تکنولوژی، عوامل سیاسی)، عامل جانبی محصول به ترتیب متغیرهای (روابط عمومی، دانش صادراتی، تحصیلات، تجربه کاری) و در نهایت عامل اقتصادی به ترتیب متغیرهای (بازاریابی صادراتی، یارانه های دولتی، قیمت گذاری صادراتی، بازارهای صادراتی) دارای اهمیت و تاثیر می باشند که این ها دال بر اهمیت نگاه سیستمی و کوانتومی به دیپلماسی و به ویژه دیپلماسی اقتصادی و لزوم همکاری های بین بخشی و فرا دستگاهی سازمان دیپلماسی و دیگر دستگاه های دولتی، عمومی و همچنین بازیگران بخش خصوصی در اقتصاد کشور هستند. بازیگران مهمی همچون اتاق های بازرگانی، اصناف، بنگاه های اقتصادی، بانک ها، صندوق ها و تشکل های اقتصادی غیر دولتی مردمی و

کشورهای جهان با توجه به سطح رشد یافتگی شان، کالاهای متنوعی صادر می نمایند. در جوامع صنعتی به صادرات کالاهای صنعتی و فرآوری شده، که از ارزش افزوده بالایی نیز برخوردارند، اهمیت فراوانی داده می شود. این در حالی است کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، بیشتر به صادرات کالاهای کشاورزی و معدنی و خام اشتغال دارند (قربانی، ۱۳۸۱: ۲۱۶). تقویت صادرات دارای مزایای مهمی بوده که تولید انبوه، تأمین درآمد ارزی، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت، کاهش قیمت محصولات تولیدی و رشد صنعت و توسعه تجارت از آن جمله است. بدیهی است جهت بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای صادرات در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی استفاده از الگوهای مناسب ضروری است. از جمله موارد مهم که با گستره موضوعی خود می تواند جهت حرکت صادرات را نشان دهد، عوامل کلیدی موفقیت می باشند. شناسایی این عوامل که می توانند در حوزه های مختلف و گوناگون صادرات، تکنولوژیکی، سرمایه گذاری، تولید، تنوع صادراتی و سیاسی و ... قرار داشته باشند، موجب تمرکز و کنترل بهتر و افزایش شانس موفقیت شرکت های صادراتی می گردد. با انتخاب بازار هدف نه تنها امکان تأمین خواسته ها و انتظارات خریداران وسعت پیدا می کند، بلکه آرایه کالاهای مناسب و مطابق با نیازها و سلیق مصرف کنندگان خارجی نیز شکل پویا و مناسبی پیدا می کند.

تأکید و اهمیت دادن به صنایع صادرات محور می تواند موجبات تقویت پیوندهای بین بخش صنعت و افزایش توانمندی های تولیدی و صادراتی بخش های مختلف را فراهم آورد و در نهایت با ایجاد ضریب تکاثری بالا در سایر بخش های اقتصادی موجبات رشد اقتصادی پویا را فراهم می آورد. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۳).

کارکرد کوانتوم دیپلماسی در بعد اقتصادی امنیت انسانی

از آن جایی که امنیت اقتصادی و توانایی افراد به ویژه اعضای کمتر برخوردار جامعه در تامین حداقل های معیشتی و برخورداری از کرامت انسانی در بُعد اقتصادی متاثر از شرایط اقتصادی کشور، رونق بنگاه های اقتصادی و تولیدی و سطح تولید و اشتغال و به طور کلی اندازه کیک اقتصاد کشور است، سازمان دیپلماسی کشور با رویکرد کوانتوم دیپلماسی اقتصادی و تجاری باید روی عوامل و شاخص های رشد GDP که پیشتر به آن ها اشاره شد و پیشرفت اقتصاد کشور متمرکز شود تا بتواند نقش قابل ملاحظه ای در امنیت اقتصادی همه اعضای جامعه ایفا نماید.

توصیه هایی کاربردی برای جاری سازی کوانتوم دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

تا زمانی که یک استراتژی خوب نداریم، در جست و جوی آن هستیم و زمانی که یک استراتژی خوب متولد می شود، در دسر جدید آغاز می شود: جاری سازی، یعنی چیدن سبب استراتژی. استراتژی ها از چهار چشمه مختلف می جوشند؛ دیدگاه راهبردی، کاوشگری و کنشگری راهبردی، تحلیل گری راهبردی و تصمیم گیری راهبردی به هنگام. این چهار چشمه باید به هم متصل شوند و تبدیل به رودخانه ای شوند؛ رودخانه ای واحد و خروشان. برای دستیابی به موفقیت استراتژیک نیازمند آن هستیم که؛

- تصمیمات استراتژیک بگیریم.

- تصمیمات استراتژیک را به تغییرات استراتژیک تبدیل کنیم.

- از صحت تصمیمات استراتژیک و کیفیت تغییرات استراتژیک اطمینان حاصل کنیم. یعنی

کنترل و پایش استراتژی (لشگر بلوکی، ۱۳۹۸: ۹).

حال با استنتاج از مباحث مطرح شده، می توان گفت که کوانتوم دیپلماسی اگر با استراتژی بهره وری همراه باشد یا به تعبیر دیگر با پیوست پایش مستمر بهره وری در آمیزد، می تواند مزیت های نسبی گسترده ما را به مولفه اقتصادی ثروت آفرین تبدیل کند که این به توسعه امنیت انسانی در بُعد اقتصادی منجر خواهد شد.

بر این اساس استراتژی ما در کوانتوم دیپلماسی، بهره وری است. به معنای انجام درست کارهای درست. به عبارت دیگر، کسب بیشترین ستاده ممکن با حداقل نهاده؛ یعنی کمترین هزینه ها اما

بیشترین دستاوردها، از سویی در رویکرد کوانتومی به دیپلماسی، هر ذره کوچک و هر امکان و ظرفیت متوسط و کلان ممکن باید دیده و لحاظ شود. در این حوزه ۲ مثال کاربردی شاخص وجود دارد. جمعیت ایرانیان خارج از کشور و همچنین دانشجویان مشغول به تحصیل در خارج از کشور، ظرفیت های بالقوه ای هستند که هر کدام می توانند به صورت فردی و در قالب تیم های کاری به بهترین وجه و با کمترین هزینه برای کشور، نقش سفرا و دیپلمات های اقتصادی و تجاری ما را ایفا کنند. مهم تر از آن، این دو گروه، از قابلیت فوق العاده ای برخوردارند تا ضمن شکستن برساخت و تصویر منفی که با اهداف غالباً سیاسی و یا دست کم عدم شناخت صحیحی که نزد افکار عمومی بین المللی - از جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، خود تصویری صحیح از ایران و فرصت و مزیت های گسترده نهفته در آن در صحنه افکار عمومی دنیا بسازند. علاوه بر این مهم، سازمان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می تواند از سرمایه های عظیم انسانی که بالغ بر ۷ میلیون ایرانی^۱ و سرمایه های مالی و نخبگانی که شامل ۲۵ هزار میلیارد دلار و ۳۷۰ هزار پروفیسور و نخبه^۲ هم میهن در جهت ساخت و توسعه کشور به مفهوم عام و توسعه اقتصاد ایران به مفهوم خاص، بهره مند شویم. آقای حلاج زاده در افتتاحیه اولین نمایشگاه تخصصی بانک، بیمه و بورس و فرصت های سرمایه گذاری اظهار داشت ۹۰ دفتر ایرانیان در خارج از کشور ایجاد شده است تا ماموریت جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور برای پروژه های داخل کشور را انجام دهند. اما متأسفانه در عمل و به دلیل ضعف های دیپلماسی نیوتونی و دولتی بودن نهاد های مرتبط با موضوع دیپلماسی اقتصادی از جمله وزارت صمت و وزارت خارجه و ذیل آن دبیرخانه شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، که به معنای ناکارآمدی ساختاری و نهادی است، همچنان از این ظرفیت های بالقوه گسترده محروم و بی بهره ایم.

در موضوع دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در خارج از کشور نیز به نظر نمی رسد نقشه استراتژی طراحی و تدوین شده باشد. بر اساس آمار سال ۹۸ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشجویان خارج از کشور ۱۲۵۰۰۰ دانشجوی ایرانی در خارج از کشور مشغول به تحصیل می باشند که مهم ترین شاخص برنامه ریزی آنان برای آینده، مساله اشتغال است. این جمعیت تحصیل کرده که بخشی از آن قطعاً دارای ظرفیت نخبگانی است، می تواند نقش مهم و تاثیرگذاری در سازمان دیپلماسی اقتصادی ایران ایفا کند. البته نه با نگاه خطی و ساده نیوتونی بلکه با طراحی های چند لایه خلاقانه. به طور مثال می توان پایان نامه ها، کارهای پژوهشی و آثار مکتوب آنان را در

^۱ مصاحبه مجید حلاج زاده رییس مرکز مشاوره ایرانیان خارج از کشور با مشرق
^۲ خبرگزاری مهر به نقل از مجید حلاج زاده رییس وقت مرکز ایرانیان خارج از کشور

قالب های کتاب و مقاله و به طور کلی تولید محتوا، حتی پیش از شروع به تحصیل آنان در خارج از کشور، به معرفی و بالفعل سازی ظرفیت های بالقوه و مزیت های نسبی ایران و توسعه و بهره وری اقتصادی کشور متصل کرد. این جمعیت موثر می تواند با بهره وری ظرفیت های فردی و آثار پژوهشی خود بخشی از ارگانیک دیپلماسی اقتصادی کشور باشد. مزیت های نسبی و ظرفیت های سرمایه گذاری ثروت آفرین در کشور که به طور مثال تولید انرژی خورشیدی مثالی کاربردی در این زمینه است، مظلوم عظیمی است که در ظرف محدود دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه و رسمیت و تشریفات آن نمی گنجد. همچنین بازار صادراتی ایران می تواند از این ظرفیت بالقوه بهره های بسیار ببرد؛ البته مشروط بر اتخاذ رویکرد کوانتومی و نگاه سیستمی و غیر قطعیت گرا به این حوزه. البته، ظرفیت های کوانتومی دیپلماسی اقتصادی ایران بسیار فراتر است که به دلیل محدودیت ساختار مقاله به این دو بسنده می کنیم.

بنابراین، کوانتوم دیپلماسی که رویکردی ارگانیک و غیر خطی و غیر قطعیت گرا و منعطف به دیپلماسی اقتصادی دارد، می تواند نقش سازمانی یادگیرنده در ابعاد ملی را ایفا نماید و در تعاملات انطباق پذیر و پویا با بخش خصوصی و حتی افراد، یک آبر سازمان دیپلماسی اقتصادی را شکل دهد.

چنین سازمانی قابلیت این را دارد که در مسیر تکامل خود وضعیت و موقعیتی گشتالتی با اقتصاد و بازارهای جهانی ایجاد کند و ثمره آن قطعا چنان که پیش از این نیز در شرق آسیا که از آن به عنوان معجزه توسعه یاد می شود، تجربه شده است؛ شعله ای خواهد بود در موتور محرک توسعه بعد اقتصادی امنیت.

نتیجه گیری

از نیمه ابتدایی قرن بیستم که پارادایم کوانتومی با یک انقلاب علمی، مفروضات مسلم پارادایم نیوتونی را به چالش کشید، مبانی پارادایم کوانتومی با حرکتی آرام اما منسجم و مستدل از لحاظ علمی، از قلمرو هسته ای و مکانیک و فیزیک فراتر رفته و حرکت خود را به سوی حوزه های علوم انسانی و اجتماعی آغاز کرد. کتاب ذهن کوانتومی و علوم اجتماعی به قلم الکساندر ونت، از پایه گذاران مکتب سازه انگاری در روابط بین الملل و همچنین تاثیر میانی و مفاهیم کوانتوم بر علم مدیریت و تئوری سازمان، نمونه هایی از نفوذ روزافزون پارادایم کوانتومی در قلمرو علوم انسانی است.

یکی از دلایل مهم این تاثیر و نفوذ این است که در محیط به شدت پویا و متغیر کنونی که با عدم قطعیت های فزاینده ای رو به رو است، هماهنگی و انطباق پذیری با روند تغییرات، از

طریق انطباق خطی میسر نیست بلکه ضروری است که با انطباق خلاق و پیش نگر بتوانیم مواجهه اثربخشی با عدم قطعیت ها و پویایی فزاینده محیط بین المللی داشته باشیم. بنابراین، رویکرد اتخاذ شده در روابط بین الملل و دیپلماسی از جمله دیپلماسی اقتصادی نیز باید با مدل کوانتومی که در آن جایی برای مفروضات بنیادی تفکر نیوتونی نیست همخوانی داشته باشد. این مفروضات نیوتونی عبارت هستند از: نظم، تقلیل گرایی، پیش بینی پذیری و دترمینیسم یا قطعیت.

از طرفی یکی از مولفه های اساسی امنیت انسانی که کانون توجه آن همه افراد بشر و بر اساس محافظت از گوهر حیات انسان در مسیر شکوفایی و کمال است، تامین نیازهای مادی اساسی است که بعد اقتصادی امنیت انسانی را شامل می شود. بنابراین و در جهت تامین بعد اقتصادی امنیت انسانی، آنچه ماموریت دیپلماسی اقتصادی با مدل کوانتومی است، کمک به رشد و توسعه اقتصاد ملی است.

کوانتوم دیپلماسی چنان چه با استراتژی بهره وری و تکیه بر توان و مزیت های نسبی داخلی بتواند در جذب سرمایه خارجی، اخذ فناوریهای موثر در بهره وری تولید و تولید ثروت ملی، توسعه و رونق صنعت گردشگری و گسترش فرصت ها و بازارهای صادراتی نقش آفرینی کند، قادر خواهد بود تا بر متغیرهای اقتصادی و رفاهی مبتنی بر افزایش تولید ناخالص ملی تاثیر قابل ملاحظه مثبتی بگذارد. بنابراین، این مهم هم دست حاکمیت را در ارائه خدمات اساسی چون: آموزش، بهداشت عمومی و نظام بیمه و سلامت، تامین نیازهای زیستی چون شبکه آب و فاضلاب و غذای سالم باز خواهد کرد و نیز با تحرک اساسی در تولید داخلی منجر به ایجاد بستر اشتغال کامل و افزایش درآمد سرانه خواهد شد.

در مجموع می توان بر این مدعا تاکید کرد که کوانتوم دیپلماسی با رویکرد اقتصادی این ظرفیت را دارد که با شناسایی فرصت های موجود در محیط اقتصاد و تجارت بین الملل، ضمن اتصال مزیت های نسبی گسترده کشور به بازارهای منطقه ای و جهانی، در توسعه تولید داخلی و افزایش ثروت ملی نقشی اساسی را بر عهده بگیرد.

بدون شک اگر با وفاق ملی و حمایت های سیاسی، کوانتوم دیپلماسی به عرصه ظهور و بلوغ برسد، تاثیری اساسی در رشد و توسعه اقتصادی خواهد داشت که این مهم خود ضامن امنیت اقتصادی افراد جامعه خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اعتباریان، اکبر (۱۳۸۶). «تغییر سازمانی از دیدگاه نظریه آشوب». ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، سال ۱۸، شماره ۱۹۰.

سید جوادین، سید رضا (۱۳۹۶). **تئوری های مدیریت**، تهران: انتشارات نگاه دانش.
صادقی، تورج و همکاران (۱۳۹۱). «ارایه مدل عوامل اصلی موفقیت در صادرات از دیدگاه صادرکنندگان در ایران»، **مجله مدیریت بازاریابی**، شماره ۱۷، زمستان.
فرهادی راد، حمید (۱۳۹۷). سازمان کوانتومی راهبری سازمان در آشوب و پیچیدگی، تهران: انتشارات رشد.

فقیهی، احمد و رجب بیگی، محمد (۱۳۸۲). «مقایسه تحلیلی رویکردهای نوین مدیریت»، **دانش مدیریت**، ۶۳: ۱۲-۱۳ (تاریخ اثر به زبان اصلی ۱۹۹۸).

قاسمی، محمد علی (۱۳۸۴). «امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۳۰.

لشگر بلوکی، مجتبی، جلالی، سید حسین (۱۳۹۸). **ذهن استراتژیست**، تهران: انتشارات آریانا.

Charlotte, Shelton (1999). *Quantum leaps : 7 skills for workplace recreation*
Claudia F. Fuentes and Francisco Rojas Aravena (2005), *Promoting Human Security: Ethical, Normative and Educational Frameworks in Latin America and the Caribbean*, Paris, UNESCO.

The Commission on Global Governance (1995), *Our Global Neighbourhood*, Oxford: Oxford University Press, Available at: <http://www.gdrc.org/u-gov/global-neighbourhood/>

Human Development Report 1995 (1995), *Published for the United Nations Development Programme (UNDP)*, New York: Oxford University Press.

Mundell, R. (1998), *The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis*, Tehran: Research Institute of Strategic Studies (In Persian).

Akvvv Kzzemi B ()))))) mmmmmmmuuurity Gii ll iss Prviii gg It in t cccc ii gg ff Qrr nn Hiii t'” *Quran and Hadith Studies*, (29): 183-216 (in Persian).

Uii t Natinn (5555) “Rrrrr t of t oo rl ooo Cfff rreeee” Rmm 5-16 November 1974, New York.